

غذا دادن عیسی به چهار هزار مرد

¹ و در آن ایام باز جمعیت، بسیار شده و خوراکی نداشتند. عیسی شاگردان خود را پیش طلبیده، به ایشان گفت: ² بر این گروه دلم بسوخت زیرا الآن سه روز است که با من می‌باشند و هیچ خوراک ندارند. ³ و هرگاه ایشان را گرسنه به خانه‌های خود برگردانم، هرآینه در راه ضعف کنند، زیرا که بعضی از ایشان از راه دور آمده‌اند. ⁴ شاگردانش وی را جواب دادند: از کجا کسی می‌تواند اینها را در این صحرا از نان سیر گرداند؟ ⁵ از ایشان پرسید: چند نان دارید؟ گفتند: هفت. ⁶ پس جماعت را فرمود تا بر زمین بنشینند؛ و آن هفت نان را گرفته، شکر نمود و پاره کرده، به شاگردان خود داد تا پیش مردم گذارند. پس نزد آن گروه نهادند. ⁷ و چند ماهی کوچک نیز داشتند. آنها را نیز برکت داده، فرمود تا پیش ایشان نهند. ⁸ پس خورده، سیر شدند و هفت زنبیل پر از پاره‌های باقیمانده برداشتند. ⁹ و عدد خورندگان قریب به چهار هزار بود، پس ایشان را مرخص فرمود. ¹⁰ و بی‌درنگ با شاگردان به کشتی سوار شده، به نواحی دلمائوته آمد.

درخواست فریسیان برای نشانه

¹¹ و فریسیان بیرون آمده، با وی به مباحثه شروع کردند، و از راه امتحان آیتی آسمانی از او خواستند. ¹² او از دل آهی کشیده، گفت: از برای چه این فرقه آیتی می‌خواهند؟ هرآینه به شما می‌گویم آیتی بدین فرقه عطا نخواهد شد. ¹³ پس ایشان را گذارد و باز به کشتی سوار شده، به کناره دیگر عبور نمود.

خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیرودیس

¹⁴ و فراموش کردند که نان بردارند و با خود در کشتی جز یک نان نداشتند. ¹⁵ آنگاه ایشان را قدغن فرمود که با خبر باشید و از خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیرودیس احتیاط کنید! ¹⁶ ایشان با خود اندیشیده، گفتند: از آن است که نان نداریم. ¹⁷ عیسی فهم کرده، بدیشان گفت: چرا فکر می‌کنید از آن جهت که نان ندارید؟ آیا هنوز نفهمیده و درک نکرده‌اید و تا حال دل شما سخت است؟ ¹⁸ آیا چشم داشته نمی‌بینید و گوش داشته نمی‌شنوید و به یاد ندارید؟ ¹⁹ وقتی که پنج نان را برای پنج هزار نفر پاره کردم، چند سبد پر از پاره‌ها

یسوع بُشِیع أربعة آلاف

¹ فِي تِلْكَ الْآيَامِ إِذْ كَانَ الْجَمْعُ كَثِيرًا جَدًّا وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ دَعَا يَسُوعُ تَلَامِيذَهُ وَقَالَ لَهُمْ: ² إِنِّي أَشْفِقُ عَلَى الْجَمْعِ لِأَنَّ الْآنَ لَهُمْ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ يَمْكُتُونَ مَعِيَ وَلَيْسَ لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ. ³ وَإِنْ صَرَفْتُهُمْ إِلَى بُيُوتِهِمْ صَائِمِينَ يَجُوزُونَ فِي الطَّرِيقِ، لِأَنَّ قَوْمًا مِنْهُمْ جَاءُوا مِنْ بَعِيدٍ. ⁴ فَأَجَابَهُ تَلَامِيذُهُ: مِنْ أَيْنَ يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يُبْشِيعَ هَؤُلَاءِ خُبْرًا هُنَا فِي الْبَرِّيَّةِ؟ فَسَأَلَهُمْ: كَمْ عِنْدَكُمْ مِنَ الْخُبْزِ؟ فَقَالُوا: سَبْعَةٌ. ⁵ فَأَمَرَ الْجَمْعَ أَنْ يَتَّكِبُوا عَلَى الْأَرْضِ وَآخَذَ السَّبْعَ خُبْزَاتٍ وَشَكَرَ وَكَسَّرَ وَأَعْطَى تَلَامِيذَهُ لِيَقْدُمُوا فَقَدَّمُوا إِلَى الْجَمْعِ. ⁷ وَكَانَ مَعَهُمْ قَلِيلٌ مِنْ صَعَارِ السَّمَكِ، فَتَارَكَ وَقَالَ أَنْ يُقَدَّمُوا هَذِهِ أَيْضًا. ⁸ فَأَكَلُوا وَشَبِعُوا، ثُمَّ رَفَعُوا فَصَلَاتِ الْكِسْرِ سَبْعَةَ سَبَاطٍ. ⁹ وَكَانَ الْأَكْلُونَ نَحْوَ أَرْبَعَةِ آلَافٍ، ثُمَّ صَرَفَهُمْ. ¹⁰ وَلِلْوَقْتِ دَخَلَ السَّفِينَةَ مَعَ تَلَامِيذِهِ وَجَاءَ إِلَى تَوَاجِي دَلْمَائُوتَةَ.

الفریسیون یطلبون آية

¹¹ فَخَرَجَ الْفَرِيسِيُّونَ وَابْتَدَأُوا يُخَاوِرُونَهُ طَالِبِينَ مِنْهُ آيَةً مِنَ السَّمَاءِ لِكَيْ يُجَزَّبُوهُ. ¹² فَتَنَهَّدَ بِرُوحِهِ وَقَالَ: لِمَاذَا يَطْلُبُ هَذَا الْجِيلُ آيَةً؟ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَنْ يُعْطَى هَذَا الْجِيلُ آيَةً.

یسوع یحذر من خميرة الفریسیین

¹³ ثُمَّ تَرَكَهُمْ وَدَخَلَ أَيْضًا السَّفِينَةَ وَمَضَى إِلَى الْعَبْرِ. ¹⁴ وَتَسَوَّأُوا أَنْ يَأْخُذُوا خُبْرًا وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ فِي السَّفِينَةِ إِلَّا رَغِيفٌ وَاحِدٌ. ¹⁵ وَأَوْصَاهُمْ قَائِلًا: انْطَرُوا وَتَحَرَّزُوا مِنْ خَمِيرِ الْفَرِيسِيِّينَ وَخَمِيرِ هِيرُودُسَ. ¹⁶ فَفَكَّرُوا قَائِلِينَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: لَيْسَ عِنْدَنَا خُبْرٌ. ¹⁷ فَعَلِمَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: لِمَاذَا تُفَكِّرُونَ أَنْ لَيْسَ عِنْدَكُمْ خُبْرٌ؟ أَلَا تَسْمَعُونَ بَعْدَ وَلَا تَفْهَمُونَ؟ أَهَلْ أَنْتُمْ أَكَلْتُمْ الْآنَ فَلَوْكُمْ غَلِيظَةٌ؟ ¹⁸ أَلَكُمُ أَعْيُنٌ وَلَا تُبْصِرُونَ، وَلَكُمُ آذَانٌ وَلَا تَسْمَعُونَ، وَلَا تَذَكَّرُونَ؟ ¹⁹ حِينَ كَسَرْتُ الْأَرْغِفَةَ الْخَمْسَةَ لِلْخَمْسَةِ آلَافِ كَمْ فُقَّةً مَمْلُوءَةً كِسَرًا رَفَعْتُمْ؟ قَالُوا لَهُ: اثْنَتَيْ عَشْرَةَ. ²⁰ وَحِينَ السَّبْعَةَ لِلْأَرْبَعَةِ آلَافِ، كَمْ سَلَّ كِسْرَ مَمْلُوءًا رَفَعْتُمْ؟ قَالُوا: سَبْعَةٌ. ²¹ فَقَالَ لَهُمْ، كَيْفَ لَا تَفْهَمُونَ؟

یسوع یشغی انسان أعمی

²² وَجَاءَ إِلَى بَيْتِ صَيْدَا، فَقَدَّمُوا إِلَيْهِ أَعْمَى وَطَلَبُوا إِلَيْهِ أَنْ يَلْمَسَهُ. ²³ فَأَخَذَ يَدَ الْأَعْمَى وَأَخْرَجَهُ إِلَى خَارِجِ الْقَرْيَةِ وَتَقَلَّ فِي عَيْنَيْهِ وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَيْهِ وَسَأَلَهُ: هَلْ أَبْصَرَ

سَبِيئًا؟²⁴ فَتَطَّلَعَ وَقَالَ: أَبْصَرَ النَّاسَ كَأَشْجَارٍ يَمْشُونَ.²⁵ ثُمَّ وَضَعَ يَدَيْهِ أَيْضًا عَلَى عَيْنَيْهِ وَجَعَلَهُ يَتَطَّلَعُ، فَقَادَ صَاحِبًا وَأَبْصَرَ كُلَّ إِنْسَانٍ جَلِيًّا.²⁶ فَأَرْسَلَهُ إِلَى بَيْتِهِ قَائِلًا: لَا تَدْخُلِ الْقَرْيَةَ وَلَا تَقُلْ لَأَحَدٍ فِي الْقَرْيَةِ.

بطرس يعترف أن يسوع هو المسيح

ثُمَّ خَرَجَ يَسُوعُ وَتَلَامِيذُهُ إِلَى قُرَى قَيْصَرِيَّةِ فِيلِبُّسَ، وَفِي الطَّرِيقِ سَأَلَ تَلَامِيذَهُ قَائِلًا: مَنْ يَقُولُ النَّاسُ إِنِّي أَنَا؟²⁸ فَأَجَابُوا: يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانُ، وَأَخَرُونَ إِبِلِيَّا، وَأَخَرُونَ وَاحِدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ.²⁹ فَقَالَ لَهُمْ: وَأَنْتُمْ، مَنْ تَقُولُونَ إِنِّي أَنَا؟ فَأَجَابَ بَطْرُسُ: أَنْتَ الْمَسِيحُ.³⁰ فَأَنْتَهَرَهُمْ كَيْ لَا يَقُولُوا لَأَحَدٍ عَنْهُ.

يسوع يُنبئ بموته وقيامته أول مرة

وَأَبْدَأَ يُعَلِّمُهُمْ أَنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ يَتَّبِعِي أَنْ يَتَأَلَّمَ كَثِيرًا، وَيُرْفَضَ مِنَ الشُّيُوعِ وَرُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ، وَيُقْتَلَ، وَبَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يَقُومُ.³² وَقَالَ الْقَوْلُ عِلَاقِيَّةً، فَأَخَذَهُ بَطْرُسُ إِلَيْهِ وَأَبْدَأَ يَنْتَهَرُهُ.³³ قَالَتْ فَت وَأَبْصَرَ تَلَامِيذُهُ فَأَنْتَهَرَ بَطْرُسَ قَائِلًا: أَذْهَبَ عَنِّي يَا شَيْطَانُ، لِأَنَّكَ لَا تَهْتَمُّ بِمَا لِلَّهِ لَكِنْ بِمَا لِلنَّاسِ.

شرط إتباع يسوع

وَدَعَا الْجَمْعَ مَعَ تَلَامِيذِهِ وَقَالَ لَهُمْ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْتِيَ وَرَائِي فَلْيُنْكِرْ نَفْسَهُ وَيَحْمِلْ صَلِيبَهُ وَيَتَّبِعْنِي.³⁵ فَإِنَّ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَخْلَصَ نَفْسَهُ يُهْلِكُهَا، وَمَنْ يُهْلِكُ نَفْسَهُ مِنْ أَجْلِي وَمِنْ أَجْلِ الْإِنْجِيلِ فَهُوَ يُخَلِّصُهَا.³⁶ لِأَنَّهُ مَاذَا يَنْتَفِعُ الْإِنْسَانُ لَوْ رَجَعَ الْعَالَمُ كُلُّهُ وَخَسِرَ نَفْسَهُ؟³⁷ أَوْ مَاذَا يُعْطِي الْإِنْسَانُ فِدَاءً عَنْ نَفْسِهِ؟³⁸ لِأَنَّ مَنْ اسْتَحَى بِي وَيَكْلَامُنِي فِي هَذَا الْجِيلِ الْقَاسِيِ الْخَاطِئِ فَإِنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ يَسْتَحْيِي بِهِ مَتَى جَاءَ يَمَجِّدُ أَبِيهِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الْقَدِيسِينَ.

برداشتید؟ بدو گفتند: دوازده.²⁰ و وقتی که هفت نان را بجهت چهار هزار کس؛ پس چند زنبیل پر از ریزه‌ها برداشتید؟ گفتندش: هفت.²¹ پس بدیشان گفت: چرا نمی‌فهمید؟

عیسی شفا می‌کند یک مرد کور را

چون به بیت صیدا آمد، شخصی کور را نزد او آوردند و التماس نمودند که او را لمس نماید.²³ پس دست آن کور را گرفته، او را از قریه بیرون برد و آب دهان بر چشمان او افکنده، و دست بر او گذارده از او پرسید که چیزی می‌بینی؟²⁴ او بالا نگرسته، گفت، مردمان را خرامان، چون درختها می‌بینم.²⁵ پس بار دیگر دستهای خود را بر چشمان او گذارده، او را فرمود تا بالا نگرست و صحیح گشته، همه چیز را به خوبی دید.²⁶ پس او را به خانهاش فرستاده، گفت: داخل ده مشو و هیچ کس را در آن جا خبر مده.

توبی مسیح هستی

و عیسی با شاگردان خود به دهات قیصریه فیلیپس رفت. و در راه از شاگردانش پرسیده، گفت که: مردم مرا که می‌دانند؟²⁸ ایشان جواب دادند که: یحیی تعمیددهنده و بعضی الیاس و بعضی یکی از انبیا.²⁹ او از ایشان پرسید، شما مرا که می‌دانید؟ بطرس در جواب او گفت: تو مسیح هستی.³⁰ پس ایشان را فرمود که هیچ کس را از او خبر ندهند.

اولین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

آنگاه ایشان را تعلیم دادن آغاز کرد که لازم است پسر انسان بسیار زحمت کشد و از مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان رُد شود و کشته شده، بعد از سه روز برخیزد.³² و چون این کلام را علانیه فرمود، بطرس او را گرفته، به منع کردن شروع نمود.³³ اما او برگشته، به شاگردان خود نگرسته، بطرس را نهیب داد و گفت: ای شیطان، از من دور شو، زیرا امور الهی را اندیشه نمی‌کنی بلکه چیزهای انسانی را.

جان‌بینی و انکار

پس مردم را با شاگردان خود خوانده، گفت: هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید.³⁵ زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد؛ و هر که جان خود را بجهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند.³⁶ زیرا که شخص را چه سود دارد هر گاه تمام

دنیا را ببرد و نَفَس خود را ببازد؟³⁷ یا آنکه آدمی چه چیز را به عوض جان خود بدهد؟³⁸ زیرا هر که در این فرقه زناکار و خطاکار از من و سخنان من شرمنده شود، پسر انسان نیز وقتی که با فرشتگان مقدّس در جلال پدر خویش آید، از او شرمنده خواهد گردید.